

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۷ اکتوبر ۲۰۱۹

اردوخان اسباب بازی کوکی پوتین!

اردوخان رئیس جمهوری جنگ طلب و جاه طلب ترکیه با افکار اخوان المسلمینی و عثمانی گری، جنگ تمام عیار هوایی و زمینی را علیه مردم کردستان سوریه (روژآوا) راه انداخته است. دولت ترکیه، در جنگ داخلی سوریه از گروه های جنگ طلب سوری حمایت می کند و اکنون ارتش متجاوز ترکیه در حملات وحشیانه خود به روژآوا، آن ها را نیز با خود همراه کرده است. ارتش ترکیه نه تنها در این حملات هوایی و زمینی خود بیمارستان ها، آمبولانس ها، مدارس و اماکن مسکونی را بمباران می کند، بلکه در این حملات، از بمب های شیمایی و فسفوری استفاده کرده است که توسط نهادهای بین المللی هم چون سازمان ملل ممنوع اعلام شده اند. حتی دیدن فیلم ها و تصاویری که کودکان و بزرگانی که با بمب های فسفوری ترکیه سوزانده شده اند بسیار تکان دهنده و هولناک است. نیروهای امدادگر و پزشکان بدون مرز، به دلیل حملات وحشیانه ارتش و گروه های تروریستی همراهش، مجبور به ترک منطقه شده اند در حالی که اکنون روژآوا شدیداً به پرستار، بهیار، پزشک و امدادگر نیاز عاجل دارند. امروز ۲۵ اکتبر، دیده بان حقوق بشر سوریه، اعلام کرد که دو پرستار و یک کارمند پزشکی از سوی تبه کاران تحت فرمان اردوخان در شهرک سلوک ربوده شدند و سپس به شیوه ای وحشیانه به شهادت رسیدند. شایان ذکر است که چند روز پیش خبرگزاری هاوار، گزارشی را در رابطه با ربودن دو پرستار و یک کارمند پزشکی منتشر کرده بود. جنایت کاران دولت ترکیه، اجساد قربانیان را به رودخانه شهر گریسپی انداخته اند. به نظر می رسد که پوتین به خوبی و با مهارت های زیادی، از اردوخان و دولتش در جهت رقابت هایش سود می برد. رفتار پوتین با اردوخان، شبیه بازی با عروسک های کوکی است و منافع خود را می برد. اما در این میان، بازنده گان اصلی جنگ داخلی سوریه و کردستان این کشور، اکثریت مردم سوریه، ترکیه و روژآوا هستند و به این معنی، آن ها دشمنان مشترک دارند. سال هاست که تنها تکیه گاه اردوخان، پوتین رئیس جمهوری روسیه است. پوتین اردوخان را برای دیدن بازی فوتبال می برد و در خیابان ها برای او بستنی می خرد و...





پزشکان بدون مرز فعالیت هایشان را در شمال شرق سوریه به حالت تعلیق درآوردند. سازمان غیردولتی پزشکان بدون مرز روز سه شنبه ۲۲ اکتبر، اعلام کرد که به دلیل حملات هوایی و شدت خشونت ها، بخش قابل توجهی از فعالیت های پزشکی خود را در شمال شرق سوریه به حالت تعلیق درآورد و کارکنان خارجی خود را از این منطقه خارج کرده است.

این سازمان در بیانیه ای اعلام کرد: «تصمیم به تعلیق فعالیت ها در حالی گرفته شده است که بحران انسانی در این منطقه، خارج از کنترل شده و نیاز به این کمک ها افزایش یافته است.»

کسانی که این روزها با عنوان ارتش ملی سوریه در خط مقدم عملیات ترکیه در شمال سوریه می جنگند، مرکب از اعضاء گروه های عرب و ترکمنی هستند که با وساطت ترکیه، به آن ملحق شده اند.

این گروه که با حمایت مالی، نظامی و آموزشی ترکیه شکل گرفته، این روزها خود را وارث اصلی شورش علیه حکومت بشار اسد می داند و در جبهه ای تازه کردها را به عنوان هدف خود برگزیده اند.

الیزابت سیرکوف، محقق موسسه تحقیقاتی امریکائی روابط خارجی، در توضیح نتایج به دست آمده از گفتگو با صدها تن از این جنگجویان می گوید: «پیش از هر ایدئولوژی مشخصی، حرص بالای آن ها برای کسب ثروت و قدرت، انگیزه لازم را برای بروز سطح بالای خشونت و بی رحمی در جنگ ایجاد کرده است.»

خانم سیرکوف می افزاید: «در واقع نژادپرستی، ناسیونالیسم عربی، نفرت از کردها و سطح پائین تسامح و تساهل در میان آن ها عواملی هستند برای پیشبرد بهتر هدف کسب منفعت مالی و سیاسی.»

زمانی که در سال ۲۰۱۶ ترکیه حمایت مالی از گروه ها را بر عهده گرفت، آن ها موظف شده بودند که هم چنان به جنگ با ارتش اسد ادامه دهند.

تصاویر منتشر شده از خط مقدم جبهه، حملات ارتش ملی سوریه به روژآوا و یگان های مدافع خلق کرد، گویای وقوع یک جنگ تمام عیار ملی و مذهبی است، به طوری که نیروهای ارتش ملی سوری مورد حمایت دولت ترکیه، تمامی کردها را «کافر و مشرک» خطاب می کنند و با نقض صریح حقوق بشر و حقوق غیرنظامیان در جنگ، با احساس کسب «ثواب» اقدام به کشتار آن ها می کنند.

آن ها خود را سپاه «محمد رسول الله» نام نهاده اند و با پیشانی بندهای مشکی که همین نام بر آن درج شده، کردها را «خوک» خطاب می کنند و با انگیزه پاک سازی مذهبی و نژادی به جنگ آن ها می روند.

البته دولت و ارتش ترکیه، مدعی هستند که جنگ با گروه های تروریستی را آغاز کرده اند اما در عمل، ارتش ترکیه نقش حمایت هوایی و پشتیبانی زمینی از نیروهای «ارتش ملی سوریه» را ایفا می کند.

با این وجود آن ها هم چنان با شعارهایی که گاه شباهت بسیاری با شعارهای داعش پیدا می کند، به پیش می روند و پس از غارت منزل به منزل مناطق کردنشین، به شکنجه و کشتار غیرنظامیان ادامه می دهند.

به گفته دیده بان حقوق بشر سوریه در عملیات نظامی ترکیه تاکنون بیش از ۱۲۰ غیرنظامی کشته و حدود ۳۰۰ هزار نفر آواره شده اند. این نهاد روز یکشنبه ۲۰ اکتبر افزود که در جریان نبردهای هفته گذشته حدود ۲۶۰ نفر

از نیروهای دمکراتیک سوریه که رهبری آن با کردهاست و حدود ۲۰۰ تن از شورشیان سوری مورد حمایت ترکیه نیز کشته شده اند.

نخست در پی سفر مایک پنس، معاون رئیس جمهوری امریکا به ترکیه در ۲۵ مهر ماه دو طرف بر سر آتش بس در شمال شرق سوریه به توافق رسیدند. قرار شده بود عملیات نظامی ترکیه به مدت ۱۲۰ ساعت (۵ روز) متوقف شود تا نیروهای مدافع خلق کرد از ۳۰ کیلومتری مرز عقب نشینی کنند.

سپس در پی دیدار سران دو کشور ترکیه و روسیه در شهر ساحلی سوچی روسیه، آن ها موافقت کردند که نیروهای مدافع خلق کرد و نیروهای سوریه دمکراتیک را از ۳۰ کیلومتری مرزهای ترکیه دور کرده و در طول نوار موسوم به «نوار امنیتی» یا منطقه «حائل مرزی»، گشت زنی مشترک داشته باشند.

تصمیم مشترک رهبران ترکیه و روسیه از منظر برخی از تحلیل گران نشان دهنده تغییراتی چشمگیر و سریع در نقشه سیاسی سوریه، پس از اعلام خروج نیروهای امریکائی از شمال سوریه، از سوی دونالد ترامپ، رئیس جمهوری امریکا است. در عین حال به نظر می رسد که احتمالاً در پشت پرده، توافقی بین ترامپ پوتین در این مورد صورت گرفته است. به خصوص ترامپ که قبلاً به ترکیه شاخ و شانه می کشید اکنون گفته است تحریم های امریکا علیه ترکیه برداشته می شود.

در ادامه تحولات سوریه، ۳۰۰ نیروی نظامی روسیه وارد این کشور شدند. به گزارش خبرگزاری رسمی روسیه «اسپوتنیک»، وزارت دفاع روسیه جمعه ۲۵ اکتبر - ۳ آذر در اطلاعیه ای، وظیفه ۳۰۰ نیروی پولیس تازه وارد به سوریه را گشت زنی در مناطق خاص حفاظت شده و کمک به یگان های نظامی نیروهای سوریه دمکراتیک برای عقب نشینی تا عمق ۳۰ کیلومتری از مرز ترکیه اعلام کرد.

به گزارش اسپوتنیک، وزارت دفاع روسیه اعلام کرد: یگانی از پولیس نظامی روسیه در مرز سوریه و ترکیه به طول ۲۱۰ کیلومتر گشت زنی کرد. در این بیانیه آمده است که در تاریخ ۲۵ اکتبر یگان پولیس نظامی روسیه در مسیر جدیدی در مرز سوریه و ترکیه گشت زنی کردند.

وزارت دفاع روسیه افزود: مسیر گشت زنی از شهر قامشلی تا روستای ماتالا و بلعکس بیش از ۲۱۰ کیلومتر بوده است.



مذاکرات ویدئو کنفرانس وزیر دفاع روسیه سرگی شایگو و فرمانده نیروهای سوریه دمکراتیک مظلوم عبود عصر روز چهارشنبه ۲۳ اکتبر ۲۰۱۹، انجام شد.

به گزارش اسپوتنیک، وزارت دفاع روسیه در این خصوص اطلاعیه ای صادر کرده است. در این اطلاعیه آمده است: «در این مذاکرات هم چنین رئیس ستاد کل، معاون اول وزیر دفاع روسیه ژنرال ارتش والرئ گراسیموف نیز حضور داشت. وزیر دفاع روسیه سرگی شایگو با مظلوم عبود جریان اجرای اقدامات طرف کرد در چارچوب

توافق به دست آمده روسای جمهور روسیه و ترکیه در تاریخ ۲۲ اکتبر در سوچی بحث و گفتگو کرد. سرگی شایگو در این گفتگو بیان داشت که پولیس نظامی روسیه و مرزبانان سوریه، امنیت افراد غیرمسلح در ۳۰ کیلومتری از مرز ترکیه و سوریه را تامین می کنند. وزارت دفاع روسیه اعلام کرد: «سرگی شایگو تاکید نمود که ساکنین غیرمسلح مناطق مسکونی واقع در ۳۰ کیلومتری از طرف مرز ترکیه سوریه لزومی برای ترک خانه های خود ندارند.» در این اطلاعیه، هم چنین آمده است: «ضمانت امنیت آن ها توسط بخش پولیس نظامی روسیه و مرزبانان سوریه تامین می شود.»

به گفته «عبدو» فرمانده یگان های مدافع خلق روژاوا کرد، پولیس نظامی روسیه و ارتش سوریه اکنون در مناطق زیادی مستقر شده اند.

رجب طیب اردوخان، روز پنج شنبه ۲۴ اکتبر - ۲ آبان، از دولت دونالد ترامپ خواست مظلوم عبدی، فرمانده سرشناس نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) را تحویل این کشور دهد. به گزارش خبرگزاری آناتولی، اردوخان که در مصاحبه با شبکه دولتی «تی آر تی» ترکیه شرکت کرده بود در این باره گفت: «امریکا باید آن تروریست با اسم رمز «مظلوم» را که در لیست قرمز تروریست های تحت تعقیب قرار دارد به ما تحویل دهد. فکر می کنم وزیر دادگستری مان مکاتباتی را انجام داده و برای استرداد این تروریست به ترکیه اقدام خواهد کرد. امریکا نیز باید او را به ما مسترد کند.»

فرهاد عبدی شاهین بیش تر با نام «مظلوم عبدی یا مظلوم کوبانی» شناخته می شود.

در عین حال مظلوم عبدی، گفته است که «هنوز با توافق آتش بس با ترکیه موافقت نکرده اند و برای پذیرش آن «ملاحظات» خود را دارند. عبدی در مورد توافق بین روسیه و ترکیه گفت: «گام های روسیه را به عنوان امری مثبت ارزیابی می کنیم اما ما ملاحظات خودمان را در مورد محتوای آن داریم. در روزهای آینده دیدارهای مان با نمایندگان روسیه را ادامه می دهیم. به آن ها خواهیم گفت که خواستار چه تغییراتی هستیم.»

وی در ادامه افزود که نیروهای دموکراتیک سوریه کنترل گذرگاه مرزی سیمالکا را که به مثابه منبع «اکسیژن» برای «روژاوا» است به هیچ نیروئی واگذار نخواهد کرد. گذرگاه مرزی سیمالکا بین اقلیم کردستان عراق و سوریه واقع شده است. (منبع: شبکه یورونیوز فارسی)

از سوی دیگر، هم زمان با برقراری آتش بس در شمال سوریه و خروج تدریجی نیروهای مدافع خلق کرد از مناطق مرزی، پارلمان اروپا با تصویب قطع نامه ای خواهان تحریم ترکیه و ایجاد منطقه امن در شمال سوریه با نظارت سازمان ملل شد. اما اردوخان اروپا را بار دیگر تهدید کرد.

نمایندگان پارلمان اروپا پنج شنبه ۲ آبان - ۲۴ اکتبر قطع نامه ای را علیه حمله نظامی ترکیه به شمال سوریه تصویب کردند. در این قطع نامه، ضمن اشاره به این که در حملات ترکیه شمار زیادی کشته و دست کم ۳۰۰ هزار نفر آواره شده اند و این حملات موجب خواهد شد که نیروهای گروه «دولت اسلامی» (داعش) دوباره فعال شوند استفاده رجب طیب اردوخان، رئیس جمهوری ترکیه از موضوع پناهجویان علیه اتحادیه اروپا «غیرقابل قبول» است.

نمایندگان پارلمان اروپا عملیات نظامی ترکیه را در شمال شرقی سوریه محکوم کرده و از این کشور خواسته اند که تمام نیروهای خود را از خاک سوریه خارج کند.

رجب طیب اردوخان، پنج‌شنبه ۲ آبان - ۲۴ اکتبر، در سخنانی در آنکارا، ادعا کرد که ترکیه «در میدان مبارزه بین‌المللی» قرار دارد و «از هر گوشه جهان در حال حمله به ترکیه هستند و ما نیز تمام قد در برابر آن‌ها ایستاده ایم.»

اردوخان به دلیل مواضع اتحادیه اروپا در مخالفت با حمله ترکیه به شمال سوریه، گفت آن‌ها «قصد دادن درس انسانیت به ما دارند» و این اتحادیه را تهدید کرد و گفت: «زمانی که می‌گوئیم درهای مان را به روی پناهجویان باز می‌کنیم (اروپائیان) گُر می‌گیرند. گُر نگیرید، زمانش که برسد آن درها باز خواهند شد.»

براساس توافق نامه‌ها، از ۲۳ اکتبر، ارتش سوریه و پولیس نظامی روسیه وارد منطقه خارج از عملیات ترکیه در سوریه شده‌اند.

با این وجود، نیروهای مدافع خلق کرد، هم‌چنان کنترل بخش‌های عمده‌ای از مناطق شمال سوریه، مناطقی که اکنون در «نوار امنیتی» قرار گرفته، را در دست دارند.

«یگان‌های مدافع خلق» (ی.پ.گ) نقش عمده‌ای در نبردهای زمینی ائتلاف ۷۴ کشور به رهبری امریکا علیه گروه داعش داشتند، اما آنکارا بر خلاف متحدان غربی‌اش از گروه‌های تروریستی و داعش حمایت کرده است و هنوز حل از گروه‌های تروریستی هم‌چون ارتش ملی سوریه، احرار الشام و... حمایت می‌کند.

گفته شده است که نیروهای مدافع خلق، از مناطقی که در آتش بس آنکارا و واشینگتن و اکنون روسیه و ترکیه قید شده بود، خارج شده‌اند. یعنی از راس العین در شرق تا تل ابیض در غرب خارج شده‌اند.

...

این سیاست‌های اردوخان، سابقه حمایت از داعش و اکنون حمایت از ارتش ملی سوریه، گروه‌های ترکمن، احرار الشام و...، به طور کلی سیاست‌های جنگ طلبانه و تروریسم دولتی‌اش با افکار عثمانی‌گری و توسعه طلبانه او را نشان می‌دهد.

اردوخان در داخل ترکیه و حتی در حزب خودش حزب «عدالت و توسعه»، شخصیتی منفور و پرخاشگر محسوب می‌شود و به همین دلیل، جتی در حزبش اعتماد به او، کم شده است. اردوخان دست کم از سال ۲۰۱۴ با حمله داعش به کوبانی و بستن مرزها توسط ارتش ترکیه با هدف کمک به داعش و جلوگیری از رسیدن هرگونه کمک به کوبانی و جلوگیری از آوارگانی که از حملات وحشیانه داعش می‌گریختند با اعتراض مردم آزادی خواه به ویژه مردم کرد در شهرهای ترکیه مواجه شد. اردوخان دستور داد پولیس و سایر نیروهای امنیتی این تظاهرات مردم را سرکوب کنند که ده‌ها تن را کشتند؛ صدها نفر را زخمی نمودند و بیش از هزار نفر را دستگیر و زندانی کردند.

در طول روزهای جنگ تحمیلی و زمینی و هوایی ارتش ترکیه و گروه‌های تروریستی همراهش علیه مردم روژآوا، دو نشست شورای امنیت سازمان ملل در این باره بی‌نتیجه ماند. اتحادیه اروپا به گفتن این‌که فعلاً به ترکیه اسلحه نخواهند فروخت، بسنده کرد. ناتو گفت احتمال دارد عضویت ترکیه در این پیمان لغو شود. اتحادیه اعراب نیز تنها این حمله اردوخان را محکوم کردند. بنابراین تا آن‌جا که به دولت‌های و نهادهای سیستم سرمایه‌داری جهانی برمی‌گردد همگی در مقابل این جنایت تاریخی دولت و ارتش ترکیه علیه مردم حق طلب و آزادی خواه روژآوا خفه خون گرفتند و نظاره‌گر شدند.

دلیل این سکوت دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در مقابل جنگ دولت و ارتش ترکیه علیه مردم ستم‌دیده روژآوا، بسیار روشن است؛ در روژآوا یک مدل و الگوی جدید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جریان است که بر خلاف

قوانین و سنت های سرمایه داری، همه مسایل از پائین و توسط دخالت عموم مردم مورد بحث و بررسی قرار می گیرند و آن ها با تصویب قوانین خود، خودشان نیز مجری آن می گردند. هم چنین بر خلاف ارتش های کلاسیک جهان، در این جا ۷۰ هزار نیروی داوطلب مردمی مسلح شده اند که هدف شان نه حمله، بلکه دفاع از مردم و مرزهایشان است. این نیرو است که داعش را شکست داد در حالی که به گفته اوباما رئیس جمهوری وقت امریکا، جنگ ائتلاف بین المللی علیه داعش به رهبری امریکا، دست کم ۳۰ سال طول خواهد کشید. اما این نیروهای قهرمان زن و مرد یگان های مدافع خلق روژاوا بودند که با پشتیبانی هوایی نیروهای ائتلاف، ماشین جنگی داعش را از کار انداختند. البته بعدها با پیوستن نیروهای عربی و غیره، نیروی جدیدی به نام نیروهای سوریه دموکراتیک تشکیل شد. داعشی که مرزهای دو کشور سوریه و عراق را درنورده بود و بخشی های مهمی از سرزمین های این دو کشور را تسخیر کرده و «دولت خلاف اسلامی» اعلام کرده بود. داعش، حتی با راه انداختن فضای رعب و وحشت و ترور در کشورهای اروپائی، توجه همه دولت ها را به خود جلب کرده بود. بنابراین بر خلاف پرخاشگری برخی گرایشات، نیروهای سوریه دموکراتیک پیاده نظام هیچ دولتی و ارتشی نشده بودند، بلکه آن ها در دفاع از مردم خود و آرمان ها و اهداف سیاسی شان با داعش جنگیدند و پس از شکست داعش، این همکاری نظامی نیروهای دموکراتیک سوریه با نیروهای ائتلاف بین المللی تمام شد. این مسأله را فرماندهان و مسؤولان سیاسی روژاوا بهتر از همه می دانستند.

اکنون نیز روژاوا، تنها مانده است و طبیعی بود که رهبران سیاسی و فرماندهای نظامی آن، به فکر راه حلی باشند که از نسل کشی توسط ارتش ترکیه و نظاره گری جامعه جهانی، جلوگیری کنند. تنها راه حل در دسترس هم این بود که با حکومت سرویه و روسیه مذاکره کنند. چرا که حکومت سوریه موظف است از مرزهایش دفاع کند و روسیه نیز در تحولات سوریه و منطقه نقش مهمی دارد. آن در میان دو انتخاب، یعنی نسل کشی و زنده ماندن مردم یکی را انتخاب کنند و آن ها به درستی دومی را انتخاب کردند: «جلوگیری از نسل کشی.»

خود دست اندرکاران روژاوا به صراحت و علنی اعلام کرده اند که این انتخاب برایشان بسیار دردآور بود اما هیچ راه دیگری نداشتند.

در روژاوا، از همان ابتدای برقراری اش تا این لحظه، کسی ادعای تشکیل دولت نداشته است و در هیچ یک از بیانیه های رسمی و یا حتی غیررسمی بحثی از اعلام استقلال از کشور سوریه وجود ندارد. در مقابل در اسناد فراوانی می توان تاکید بر حفظ تمامیت ارضی سوریه و تاکید بر سوریه دموکراتیک کرد. چهره های برجسته خودگردانی در روژاوا در مصاحبه های رسمی، به وضوح خود را سوری و بخشی از سرنوشت مشترک مردم سوریه معرفی کرده اند؛ موضع گیری که عملاً نسبتی با جدائی و اعلام دولت مستقل از سوریه ندارد.

الدار خلیل یکی از اعضای TEV-DEM در مصاحبه با المانیور بر نکته جالبی تاکید کرده است. وی می گوید ما بخشی از هویت سوریه هستیم.

نیروهای کرد روژاوا، پس از آغاز جنگ داخلی در سوریه، همواره سیاست «نه با اسد، نه با اپوزیسیون، پیش به سوی تاسیس کنفدرالیزم دموکراتیک» را اتخاذ کرده اند.

واقعیت این است که نیروهای روژاوا، نه هواپیما و هلیکوپتر در اختیار دارند و نه موشک های زمین به هوا. بنابراین، آن ها بر روی زمین به خوبی از عهده متجاوزان برمی آیند و تاکنون در هفت سال گذشته، این توانایی خود را اثبات کرده اند. اما در مقابل بزرگ ترین ارتش ناتو و توپ و تانک و هواپیماها و هلیکوپترهای جنگی آن، توان دفاعی ندارند به خصوص این حملات هوایی بیشترین ضربه را به شهروندان عادی می زند.

مهم تر از همه، نیروهای مدافع خلق روژاوا، صرفاً یک نیروی چریکی نیستند که سریع جا به جا شوند تا دشمن نتواند ضربه کاری بر آن ها وارد سازد. یک نیروی چریکی می تواند از مقابل دشمن بگریزد و خود را به مناطق امنیت تری برساند. کاری که برای نمونه، حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)، ۴۰ سال است در مقابل تهاجمات دایمی ارتش و پولیس ترکیه انجام داده و به مبارزه خود ادامه می دهد. اما احزاب و سازمان ها و یگان های مدافع خلق روژاوا که هفت است جامعه چهار میلیونی با حدود یک میلیون پناهنده را مدیریت می کنند هرگز نمی توانند اسلحه خود را بردارند و به سرعت به سوی کوه و دشت و پناهگاه هائی بروند که از دسترس دشمن در امان بمانند. بنابراین، آن ها با احساس مسئولیت انسانی، سیاسی و اجتماعی در کنار مردم قرار گرفته اند و در این جاست که چگونگی جنگ و صلح، عقب نشینی و حتی سازش تاکتیکی معنی و مفهوم واقعی خود را پیدا می کند.

ارتش ترکیه، چهارشنبه ۹ اکتبر ۲۰۱۹، عملیات نظامی موسوم به «چشمه صلح» را علیه نیروهای سوریه دموکراتیک (ق.س.د) و به طور کلی مردم شهرهای مرزی کردنشین شمال سوریه را از زمین و هوا آغاز کردند. در جنگی که به ادعای اردوخان رئیس جمهور جنگ طلب و توسعه طلب و جاه طلب ترکیه، برای ایجاد یک «منطقه امن» آغاز کرده است، تاکنون بیش از ۲۰۰ غیرنظامی کشته و هزاران تن زخمی و حدود ۳۰۰ هزار تن آواره شده اند. به این ترتیب، این آمارها به خوبی هدف «چشمه صلح» و «منطقه امن» اردوخان را معنی می کنند. با افزایش اعتراضات مردمی در سطح جهان و انتقادهای از این حمله، ترکیه پنج شنبه ۱۷ اکتبر، پیشنهاد امریکا برای توقف عملیات نظامی به مدت پنج روز را پذیرفت. شرط آنکارا برای توقف کامل حمله به شمال و شرق سوریه، عقب نشینی کامل نیروهای سوریه دموکراتیک از «منطقه امن» است. با وجود اعلام آتش بس موقت، موارد متعدد نقض آتش بس و کشته شدن غیرنظامیان توسط ارتش ترکیه و گروه های تروریستی مورد حمایت دولت آنکارا، گزارش شده است.

در این عملیات تهاجمی، ترکیه از جهات زیادی روی یگان های ارتش آزاد سوریه حساب می کند. یگان های این ارتش که در واقع نیروی نیابتی ترکیه است، انضباط و کارائی یک سانی ندارند و کل استعداد این ارتش نزدیک به ۳۵ هزار نفر است.

در مقابل این نیروی تهاجمی، نیروهای دموکراتیک سوریه با استعداد تقریباً ۷۰ هزار نفر به گفته ژنرال مظلوم عبدی، فرمانده کرد این نیروها، قرار دارند که عموماً پیاده نظام سبک اند و واحدهای زرهی و توپخانه آن ها اندک است. از این رو، یگان های کرد به خاطر کمبود سلاح های سنگین در مقابل عملیات تهاجمی یگان های مجهز به این گونه جنگ افزارها، آن هم در زمین مسطح و بمباران های هوائی توسط جت ها و هلیکوپترهای جنگی ترکیه، به شدت آسیب پذیرند و مجبورند که در دهکده ها و شهرهای مرزی وضعیت دفاعی بگیرند. این کار، ضمن این که توان تحرک یگان های کرد را کاهش می دهد و حوزه عمل آن ها را محدود می کند، می تواند به محاصره آن ها توسط یگان های ترکیه و ارتش آزاد سوریه بینجامد. کاری که قبل از سقوط تل ابیض و راس العین به دست یگان های ارتش آزاد سوریه و ترکیه آشکار شد.

قبل از حمله ارتش ترکیه و گروه های تروریستی مورد حمایت دولت ترکیه به روژاوا، گفته شده بود که حدود ۷۲ هزار تن از داعشی ها و خانواده های آن ها در اردوگاه های روژاوا تحت کنترل نیروهای مدافع خلق روژاوا قرار داشتند که حدود ۱۲ هزار تن آن ها، عضو داعش بودند. اما اکنون پس از حمله ارتش ترکیه به روژاوا، گفته شده است که صدها تن از داعشی ها از این اردوگاه ها فرار کرده اند. بنابراین، اکنون این احتمال وجود دارد که ارتش و

دولت ترکیه دوباره داعش را تحت نام دیگری سازمان دهی و مسلح کنند و بار دیگر این نیروی وحشی اسلامی را در جنگ داخلی سوریه و هم چنین عراق فعال نمایند.

در هفت سال گذشته، علاوه بر حمله ۴۷ گروه تروریستی به روژآوا، که داعش درنده ترین آن ها بود حمله کرده اند و چند سال است که ارتش ترکیه نیز به آن ها اضافه شده است. با این وجود در این منطقه، دستاوردهای بزرگی به لحاظ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دفاع عمومی حاصل شده است. امروز زنان روژآوا دوش به دوش مردان این منطقه، در همه عرصه های جامعه حضور فعال و چشم گیری دارند. در همه مسؤولیت ها، یک زن و یک مرد و در نهادهای مختلف مردمی، ۵۰ درصد زن و ۵۰ درصد مرد هستند. قوانینی که در حال حاضر در هیچ جای جهان وجود ندارد. چند همسری و زن آزادی و ازدواج دختران زیر ۱۸ سال ممنوع است. فقط اگر مسأله آزادی زنان روژآوا را در نظر بگیریم قاطع و محکم می توانیم بگوئیم که در قلب خاورمیانه سیاه مذهبی، ناسیونالیستی، میلیتاریستی و مذهبی حکم رانی می کند، یک انقلاب سیاسی عظیم در روژآوا روی داده است: انقلاب زنان! انقلابی که می تواند در کلیت خود الگویی برای تمام کشورهای خاورمیانه، البته با در نظر گرفتن ویژه گی های هر کشوری مناسب و امکان پذیر باشد.

در عین حال انحلال ارتش و پولیس و سازمان دادن یک نیروی مردمی برای حفظ امنیت داخلی و حفظ امنیت مرزها که دهه هاست یکی از شعارها اصلی نیروهای چپ سوسیالیست است این شعار در این منطقه تحقق یافته و تجارب ارزنده ای نیز کسب کرده است. نیروئی که آموزش های برابری طلبانه دیده، حافظ امنیت فردی و جمعی شهروندان و تجمعات و مبارزات آن هاست. نیروئی که به هیچ وجه حق تعرض به شهروندان را ندارد. نیروئی که یک دوره برابری طلبانه جنسیتی دیده و تفاوت گذاشتن بین زن و مرد برایش بی معنی است.

قوانین نه توسط یک پارلمان از بالا، بلکه در مجالس عمومی مردمی و شوراها از پائین مورد بحث و بررسی قرار می گیرند و سپس تصویب و به مرحله اجر گذاشته می شوند.

در قوانین روژآوا و در همه شئون زندگی اجتماعی و سیاسی زن و مرد برابرنده؛ همه شهروندان زیر ۱۸ سال کودک محسوب می شوند؛ همه زبان های مادری؛ کردی، عربی و... در روژآوا از آزادی کامل برخوردارند. در قوانین روژآوا، زندانی سیاسی وجود ندارد تا چه برسد زندانی سیاسی در این زندان ها، مورد شکنجه قرار گیرد و یا اعدام شود. در قوانین روژآوا، اصل بر برائت مجرمین است مرگ این که جرم او در دادگاه مردمی محرز شده باشد.

در سازمان دهی اقتصادی نیز تفاوت هائی وجود دارد برای مثال، درآمدهای اقتصادی نباید برای سود شخصی و یا یک شرکت و بنگاه معینی قرار گیرد، بلکه باید به مصارف عمومی اختصاص داده شود. با این وجود اشکالات زیادی در این عرصه وجود دارد. اما کافی ست که یک لحظه عمیقا و همه جانبه فکر کنیم که در میان جنگ و خون و محاصره دولت ها و گروه های تروریستی، نیروهای سیاسی خودگردان روژآوا، چگونه توانسته اند شکم حدود چهار میلیون جمعیت را سیر کنند؛ به کودکان، بیماران و بازنشستگان برسند. در عین حال، روژآوا حدود یک میلیون پناهنده و یا آواره شهرهای عرب زبان سوریه را نیز در خود جای داده است و زیست و زندگی آن ها را نیز تامین می کند.

روژآوا ذخایر هنگفت نفتی دارد و زمین های برای کشت و دامداری بسیار حاصل خیز هستند.

در سال ۲۰۱۲، پس از خروج نیروهای دولتی مرکزی از استان های کردنشین شمال سوریه، این مناطق تحت کنترل نیروهای کرد در آمد. مناطق آزاد شده کانتون خوانده شدند. کانتون یک نوع بخش بندی کشوری کوچک است که در این جا بخشی از کنفدراسیون های دموکراتیک شمال و شرق سوریه به حساب می آید. یکی از این کانتون های معروف کنفدراسیون های دموکراتیک شمال سوریه کوبانی است که مقاومت اهالی آن مقابل داعش حمایت و شهرتی جهانی یافت. در آن زمان، سیستم سیاسی کردستان سوریه با عنوان خودمدیریتی دموکراتیک «روژآوا» شناخته می شد.

مبنای روابط اجتماعی و قانونی در «روژآوا»، یک قرارداد اجتماعی است که اداره جامعه در «روژآوا»، به شیوه خودمدیریتی دموکراتیک شورائی و از کوچک ترین جوامع محلی آغاز می شود.

اما آن چه امروز فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه و شرق سوریه خوانده می شود بر مبنای قراردادی است که از به هم پیوستن سه کانتون جزیره، کوبانی و عفرین ایجاد شد.

در اواسط مارس ۲۰۱۶ هیات های هماهنگی خودگردانی های دموکراتیک همه کانتون های روژآوا (کردستان سوریه) به نمایندگی از مردم کرد، عرب، آشوری، ترکمان و چچن هادر شهر رمیلان در شمال سوریه جمع شدند. نتیجه این اجتماع، تشکیل یک مجلس موسسان ۳۱ نفره و اعلام تاریخ برای برگزاری اولین انتخابات بود.

کردستان غربی (روژآوا)، که از سه کانتون عفرین، کوبانی و جزیره تشکیل شده است، در نوامبر سال ۲۰۱۳ خودمدیریتی خود را، در پی آمد جنبش روژآوا به دست آورد. انقلابی که مبتنی بر برابری جنسیتی، دموکراسی مستقیم شورائی، به رسمیت شناختن ملی و مذهبی همه ساکنان این منطقه و البته ضد کاپیتالیستی است.

بزرگ ترین حزب روژآوا، حزب اتحاد دموکراتیک (پ.ی.ی) است.

یگان های مدافع خلق (ی.پ.ک) است. پس از شکل گیری شورای عالی، ی.پ.ک به عنوان بازوی نظامی این شورا مشخص شد، شورائی که حزب اتحاد دموکراتیک (پ.ی.د) بخشی از آن است.

حزب اتحاد دموکراتیک (پ.ی.ی)، در سال ۲۰۰۳ تاسیس شده است. این حزب، خود را متعهد به «برابری اجتماعی، عدالت و آزادی بیان»، هم چنین «تکثرگرایی و آزادی احزاب سیاسی» معرفی کرده است. رهبران این حزب می گویند که تنها ارتباط با حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)، بر مبنای ترها و تئوری های سیاسی عبدالله اوجالان است

در پایان نشست که در روزهای ۱۶ و ۱۷ مارس ۲۰۱۶، در شهر رمیلان در کانتون جزیره برگزار شد، برخی از احزاب، نمایندگان عرب ها، سریانی ها، ترکمن ها، ارمنی ها و چچنی های و هم چنین مذهبی های منطقه بود که در نهایت به تاسیس و برقراری سیستم «فدرالیسم دموکراتیک» در روژآوا و شمال سوریه رای دادند.

در بیانیه شورای موسسان اتحاد فدرال دموکراتیک روژآوا شمال سوریه، که پس از این نشست منتشر شد، تاکید کرده است که سیستم «فدرالیسم دموکراتیک» مشارکت تمام مردم روژآوا را در آینده سوریه تضمین می کند.

برای این مجلس موسسان ریاست مشترک دو نفره یک مرد و یک زن تعیین گردید. از آن پس، ریاست واحدهای سیاسی همیشه دو نفره است که یک زن و یک مرد را شامل می شود.

بر اساس قرارداد اجتماعی «روژآوا»، فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه خود را متعهد به سه معیار اکولوژیک، دموکراتیک و آزادی زنان می داند.

بسیاری تحلیل گران و ناظران سیاسی معتقدند منع چند همسری و ازدواج اجباری دختران در این جامعه سنتی و اسلامی، از جمله پیشرفت هائی بزرگی است که با اجرای کنفدرالیسم دموکراتیک تحقق یافت.

منبع حقانیت این فدراسیون به آرای سازمان ها و اجتماعات مردمی این جغرافیا روژاواست و از راه انتخابات آزاد و دموکراتیک تامین شده است.

آموزش و به کارگیری تمام زبان‌های موجود در تمام سطوح اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از دیگر موضوعات مورد تاکید در قرارداد اجتماعی «روژاوا» است.

هر کانتون «روژاوا» از شوراها و انجمن‌های محلی، شهرک‌ها و ناحیه‌ها تشکیل می‌شود که آن‌ها هم انتخابات خودشان را دارند.

بر اساس آن چه در «روژاوا» تحقق یافته است انتخابات متعددی برای اعضای شهرداری‌ها و انجمن‌های محلی و کنگره دموکراتیک خلق‌ها وجود دارد.

محدوده جغرافیائی کانتون‌های «روژاوا» شمال و شمال شرق سوریه است که از عفرین تا نزدیکی‌های مرز ابوکمال اعلام شده بود.

مدافعان ایده خودگردانی و کنفدرالیسم دموکراتیک عقیده‌اند که این شیوه برای مناطقی که از نظر جغرافیای سیاسی اتحاد ندارد و پراکنده‌اند، بسیار کاربردی‌تر از سیستم‌های تمرکزگرا است، چرا که قادر است عناصر ناهمگن را گردآورد و در ساخت سیاسی مشارکت دهد.

اعلام نظام سیاسی کنفدرالیسم از سوی مردم روژاوا، با واکنش منفی سوریه و سایر دولت‌ها، به ویژه ترکیه مواجه شد.

در چنین روندی، نیروهای کمونیستی، نباید در مقابل تحولات روژاوا، به خصوص الان که در آن جا یک نسل‌کشی تاریخی در جریان است بی تفاوت و بی توجه باشند.

اگر جای دورتری نرویم و روژاوا را با اقلیم کردستان عراق مقایسه کنیم که هم مرز، هم زبان و کمابیش تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشابهی را از سر گذرانده‌اند مقایسه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که ما کمونیست‌ها، آنارشویست‌ها و همه نیروهای رادیکال و انقلابی برای مبارزه و دخالت‌گری در روندهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دفاعی به راحتی می‌توانیم به روژاوا برویم چرا که آغوش آن همیشه با مهربانی به روی ما باز است. اما ما هرگز نمی‌توانیم با چنین هدفی وارد کردستان عراق شویم. به علاوه بیش از دو دهه و نیم است که «دولت - ملت» هر چند ضعیف در اقلیم کردستان عراق برقرار شده و مورد تائید و حمایت حکومت‌های منطقه و جهان نیز قرار دارد. اما همین حکومت‌ها عزم و اراده کرده‌اند اگر زورشان برسد سیستم سیاسی روژاوا را از بین ببرند و آن‌جا را نیز به پایگاه خود هم چون اقلیم کردستان عراق تبدیل کنند. چرا که سیستم و مدل سیاسی روژاوا، سنت‌ها و قوانین موجود شکل حکومتی را زیر سؤال برده است و بدیل سیاسی خود را در مقابل جامعه روژاوا و منطقه و جهان قرار داده است. اکنون جهان سرمایه‌داری دست ارتش و دولت فاشیست و متجاوز ترکیه را باز گذاشته است تا این سیستم را از بین ببرند. در چنین موقعیتی وظایف ما سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها چیست؟

در پایان، ناگفته نماند که در ماه‌های اخیر کشورهای زیادی، از عراق و لبنان گرفته تا اسپانیا و شیلی صحنه اعتراضات محرومان و بیکاران جوان بودند. اعتراضاتی که اگر چه دلایل، روش‌ها و اهداف متفاوتی دارند، اما برخی مشترک آن‌ها از جمله اعتراض به فقر و بیکاری را به هم مرتبط می‌کند. این اعتراضات نشان‌دهنده بارز بحران سیستم سرمایه‌داری و دولت‌هایش در ابعاد جهانی است.

ترکیه هم اکنون هم جزو کشورهای بحرانی و هم بحران‌زاست. مقامات ترکیه برای حمله نظامی خود به شمال شرقی سوریه و جنک خونین خود، نامی «شاعرانه و رمانتیک» برگزیده‌اند. هرکس عبارت «چشمه صلح» را

بشنود، تصور می کند که نیروی مداخله کننده یک نیروی نظامی نیست، بلکه نیروی متعلق به نهادهای امدادگر بشردوستانه یا سازمان صلیب سرخ بین المللی است که برای رساندن چادر برای بی سرپناهان و ارائه خدماتی نظیر رساندن غذا و پوشاک برای نجات جان باقی ماندگان در مناطق جنگ زده سوریه که در فقر و آوارگی به سر می برند، صورت گرفته است؛ اما این گونه نیست. اولین واکنش ها به این عملیات نشان داد که ما با فصلی جدید و خطرناک و ویران گری از جنگ نامحدود دیگری در سوریه رو به رو هستیم به طوری که پایان عملیات «چشمه صلح» بسیار دشوارتر از آغاز این عملیات نظامی است. چشمه صلح، اسم رمز همان بمب های شیمیایی و فسفوری هستند که با فرمان اردوخان بر روی مردم روژآوا ریخته اند!

اکنون زمان آن رسیده است که با صدای بلند خواهان بایکوت سیاسی ترکیه شد!



نهایتاً با وجود همه مسائلی که در بالا بدان ها اشاره کردیم اگر از منظر مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم علمی که مارکس بنیان گذار آن است به وقایع جاری روژآوا نگاه کنیم صریحاً می گوئیم که در این جا، سوسیالیسم پیاده نشده است. اما در عین حال، محکم و قاطعانه می توانیم بگوئیم که رگه هایی از سوسیالیسم در این منطقه پیاده شده است. با این وجود، کارهای زیادی به ویژه در عرصه سازمان دهی اقتصادی وجود دارد که باید عمیقاً به آن ها پرداخته شود و مورد نقد هستند اما نقد این کمبودها و سایر اشکالات، زمانی موثرند که کمونیست ها با تمام امکانات خود به حمایت از روژآوا برخیزند و با حضور فعال در این منطقه، کمک کنند تا کمبودهای آن بر طرف گردد.

بی گمان هر کسی و هر نیروئی که به سوسیالیسم علمی مارکس باور دارد ضرورت داشت که از همان هفت سال پیش به استقبال تحولات روژآوا می شنافت و عملاً با دخالت گری سیاسی و اجتماعی در زمینی که به خوبی شخم زده شده و برای کشت بسیار مساعد بود تخم سوسیالیسم را در آن می کاشت اکنون می توانست میوه هایش را بچیند. سعی می کرد کمبودها و اشکالات آن را در مبارزه مشترک با نیروهای روژآوا، بر طرف کند. اما در این مدت، گرایشات رادیکال آنارشیستی هم چون سوسیالیست ها، سندیکالیست ها و ناتورالیست ها، از تمام نقاط جهان به روژآوا رفته و هر کدام در جایگاه و تخصص و توانائی خود در سرنوشت مردم این منطقه سهیم شده اند. در حقیقت در میان ۱۱ هزار جان باخته روژآوا کم نیستند جان باختگانی که از کشورهای استرالیا، کانادا، اروپا، ایران، ترکیه

و...، به ویژه کمونیست ها و آنارشیست های ترکیه به روژاوا رفته و در راه رهائی، آزادی، برابری و سوسیالیسم جان باخته اند.

روژاوا مدل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رایج «دولت - ملت» را رد کرده و در همه عرصه های سیاسی، مدنی، قانون گذاری، اجرائی، حقوقی و نظامی، مدل سیاسی نوینی را نه از بالا و توسط دولت و پارلمان، ارتش و پولیس، بلکه از پائین و توسط شوراهای و مجالس محلی مردمی در پیش گرفته است. هم چنین در روژاوا، به جای تشکیل ارتش و پولیس کلاسیک، تسلیح عمومی و مردمی تشکیل است.

همه این سیاست های متفاوت تحت تاثیر گرایشات سوسیالیستی و ضد کاپیتالیستی است. یعنی سیاست های جاری در روژاوا، نه در جزئیات، بلکه در سطح کلی، متأثر از گرایش سوسیالیستی است.

زمان، زمان نقد به گذشته و نقد به خود است. زمان، زمان باز کردن گوش ها و تمیز کردن عینک ها و زمان شنیدن و دیدن واقعیت ها و انتقادهای سازنده و رفیقانه ست. اکنون سیستم سرمایه داری در تمام نقاط جهان در بحران به سر می برد و با خیزش های مردمی رو به روست.

اکنون بیش از هر زمان دیگری عرصه فعالیت گسترده و اجتماعی در مقابل همه نیروهای رادیکال آزادی خواه، برابری طلب، کمونیست، سوسیالیست، آنارشیست، سندیکالیست، فمینیست و زیست محیطی باز شده است. زمان آن رسیده است که همه این گرایشات با همدیگر نزدیک تر، مهربان تر و متحدتر شوند تا این فرصت تاریخی برای تغییر نظم موجود به نفع محرومان، ستم دیدگان و استثمارشدگان را از دست ندهند!

در هر صورت نسل کشی مردم کرد، یادآور نسل کشی یهودی ها توسط حکومت هیتلر و ارمنی ها توسط امپراطوری عثمانی است؛ ژنو ساید هائی که اگر جامعه بین المللی به موقع اقدام می کردند، می توانستند از آن ها جلوگیری کند. اکنون نیز نسل کشی مردم روژاوا به دست اردوخان و حامیانش چون پوتین، ترمپ، خامنه ای و...، در جریان است؛ جامعه جهانی باید حداقل یک بار به مسؤولیت خود عمل کرده و از یک ژنو ساید دیگر جلوگیری کند.

اندیشیدن به تو زیباست

اندیشیدن به تو زیباست

و امید بخش

چون گوش سپردن به زیباترین صدا در دنیا

زمانی که زیباترین ترانه ها را می خواند

اما امید برایم بس نیست

دیگر نمی خواهم گوش دهم

می خواهم خود نغمه سر دهم ...

ناظم حکمت

جمعه سوم آبان [عقرب] ۱۳۹۸ - بیست و پنجم اکتوبر ۲۰۱۹

ضمیمه:

ولادیمیر پوتین و رجب طیب اردوخان روسای جمهور روسیه و ترکیه پس از گفت و گوئی شش ساعته سرانجام در کنفرانس خبری مشترک در مسکو اعلام کردند که مناطق اشغال شده در شمال سوریه در کنترل اشغال گران باقی می ماند.

مفاد توافق نامه هشت ماده‌ای روسای جمهوری روسیه و ترکیه به شرح زیر است:

۱. دو طرف تعهد خود را برای حفظ وحدت سیاسی و تمامیت ارضی سوریه و حمایت از امنیت ملی ترکیه مجدداً تاکید می‌کنند.
۲. آن‌ها بر عزم خود در مبارزه با تروریسم تاکید می‌کنند.
۳. نیروهای ی.پ.گ و ق.س.د که به عمق ۳۲ کیلومتری مرز سوریه - ترکیه عقب نشینی کرده بودند، خلع سلاح شده و به مناطق خود برمی‌گردند.
۴. هر دو طرف بر اهمیت توافق نامه آدانا تاکید می‌کنند. فدراسیون روسیه در شرایط فعلی اجرای توافق نامه آدانا را تسهیل خواهد کرد.
۵. از ساعت ۱۲:۰۰ ظهر ۲۳ اکتبر ۲۰۱۹، پولیس نظامی روسیه و مرزبانان سوریه و نیروهای کرد باید در ۱۵۰ ساعت از این مناطق خارج شوند.
۶. گشت‌های مشترک روسیه و ترکیه با عمق ۱۰ کیلومتری (شش مایل) آغاز می‌شود.
۷. تمام نیروهای ی.پ.گ و ق.س.د از منبج و تل رفعت خارج می‌شوند.
۸. تلاش‌های مشترک برای تسهیل بازگشت پناهندگان به صورت امن و داوطلبانه آغاز خواهد شد.
۹. برای اجرای این تفاهم نامه سازوکار مشترک نظارت و هماهنگی ایجاد خواهد شد.
۱۰. دو طرف به کار خود برای یافتن راه حل سیاسی پایدار برای درگیری سوریه در درون مکانیسم آستانه ادامه خواهند داد و از فعالیت کمیته قانون اساسی حمایت می‌کنند.»